

این کتاب از  
Enay  
The Lewis-Dealy Sun  
Joseph Epstein  
Oxford University Press, 2003

# حسد

از مجموعه هفت گناه کبیره

جوزف اپستاین

ترجمه نسترن ظهیری



## فهرست

۴۵۳

- یادداشت ویراستار..... ۹
- مقدمه ..... ۱۳
۱. غبطه: مفهومی نامترادف ..... ۲۵
۲. تشخیص حسادت ..... ۳۵
۳. رذیلتِ نهران ..... ۴۳
۴. آیا زیبایی دشمن تراش است؟ ..... ۴۹
۵. پاداش‌های درخشان ..... ۵۵
۶. جوانان، خدا لعنتشان کند ..... ۶۳
۷. سیمای ساده‌ رذالت ..... ۷۱
۸. انسان‌ها تحت سلطهٔ نظام سرمایه‌داری به هم حسادت می‌کنند و تحت سلطهٔ سوسیالیسم، برعکس ..... ۷۹
۹. یهودیان، دوستان خوب ما ..... ۸۷
۱۰. لذت بردن از سقوط ..... ۹۳
۱۱. کین‌توزی تحت نامی دیگر ..... ۱۰۵
۱۲. آیا حسد در ذات انسان است؟ ..... ۱۱۳
۱۳. حسد حرفه‌ای ..... ۱۱۹
۱۴. سلامت روانی متزلزل ..... ۱۲۵
- یادداشت فهرست‌وار ..... ۱۲۹
- نمایه ..... ۱۳۳

## مقدمه

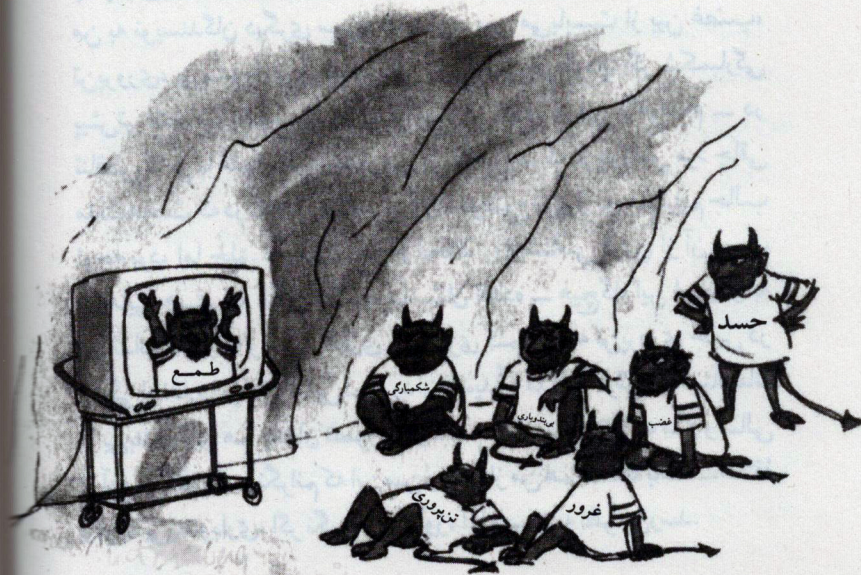
۵۰۳

زمانی که از من خواسته شد با توجه به علاقه‌ام، به نگارش کتابی از مجموعه کتاب‌های هفت گناه کبیره پردازم، که انتشارات دانشگاه آکسفورد آن را به چاپ می‌رساند، موضوعات مربوط به تکبر، شکمبارگی و طمع پیش از من به نویسندگان دیگری سپرده شده بود. پس می‌بایست از بین غضب، تن‌پروری، بی‌بندوباری و حسد یکی را انتخاب می‌کردم. اگر شکمبارگی پیش‌تر انتخاب نشده بود آن را ترجیح می‌دادم، مردی لاغراندام — در تناقض کامل با اظهار نظر مشهور سیریل کانلی<sup>۱</sup> — که در درونش مرد چاقی مدت‌هاست که در تقلاست تا سر بر آورد. موضوع تن‌پروری هم برایم جالب توجه بود، اما خُلق ناآرامم — من از لحاظ روان‌شناسی فردی از آن دست آدم‌هایی هستم که انگار کک به لباسشان افتاده — هیچ‌گاه این اجازه را به من نداده که ثابت و استوار کاری را پیگیری کنم، گرچه تن‌پروری جایی در زندگی‌ام ندارد، نوشتن کتابی در مورد آن شدیداً به مذاقم خوش آمد. متأسفانه از بی‌بندوباری هم چندان تصویری در ذهنم نبود. پس از این که سن و سالی از آدم می‌گذرد — و نگرانم که این سن و سال از من هم گذشته باشد — علاقه وافر به بی‌بندوباری، اگر نگوییم شرم‌آور، اما ناپسند به نظر می‌رسد.

---

1. Cyril Connolly

از همان اول هم باید می دانستم که نوشتن درباره حسد کار خودم است. یکی از دوستان روانپزشکم گفت به گمانش من اصلاً به درد این موضوع نمی خورم، چون در بین کسانی که می شناسد کمترین حسد را در وجودم دارم. حتی فکر کردن به صحت این گفته برایم لذت بخش است. اما من که خودم را بهتر می شناسم. در زندگی ام به اندازه کافی — یا حتی بیش از اندازه کافی — حسد ورزیده ام که خود را شایسته نوشتن در این باب بدانم. احتمالاً افراد خاصی — قدیسان، قهرمانان ذاتاً بزرگ، زنان دلفریب و زیبا، فرزندان میلیاردرها — هم هستند که به گمان همگان بویی از حسد نبرده اند، اما من یکی که به این امر شک دارم. ممکن است خطا را با احتمال به انسان نسبت دهیم، اما حسد بی پرو برگرد در ذات انسان است.



«واقعاً این روزها بیش از حد معمول در رسانه ها ظاهر شده است.»

گرچه دلم نمی خواهد از آن آدم هایی به نظر برسم که مدام در حال چشم و همچشمی هستند، با این حال به گمانم حسد فراگیرترین و نافذترین گناهان کبیره است، چون بی سروصدا سنگ بنای شش گناه اصلی دیگر را می گذارد: حسد ممکن است آغازگر طمع باشد؛ در شکمبارگی و بی بندوباری هم بی شک نقش دارد (واقعاً هیچ کس چشم دیدن این را ندارد که دیگران خوب بخورند و روابط خارج از چارچوب خوبی داشته باشند، این طور نیست؟!); گرچه پنهان و زیر زیرکانه، حسد بخشی از غضب است؛ رابطه تکبر و حسد هم که ناگسستی است، و همان طور که کینه و بدخواهی به شکست می انجامد، جریحه دار کردن غرور دیگران هم به حسد ختم می شود. البته امیدوارم در ادعاهایی که در باب حسد، گناه کوچک فریبنده خودم، طرح می کنم بیش از حد مغرور نشوم.

پیش از آن که به خود حسد پردازیم، یکی دو کلام سخن به میان آوردن از ماهیت گناهان کبیره خالی از لطف نیست. ایان فلمینگ<sup>۱</sup> که در دهه ۱۹۵۰ از اعضای هیئت تحریریه روزنامه ساندی تایمز لندن بود، نوشتن مجموعه ای از هفت قطعه ادبی را در باب هر یک از گناهان کبیره با ویراستاران روزنامه در میان گذاشت که بلافاصله پذیرفته شد. پس قرار شد که گروهی از نویسندگان برجسته ادبیات انگلستان دور هم گرد آیند و به اختصار درباره گناهان مختلف بنویسند: آنگس ویلسون<sup>۲</sup> در باب حسد، ادیت سیتول<sup>۳</sup> در باب تکبر، سیریل کانلی در باب طمع، پاتریک لی فرمور<sup>۴</sup> در باب شکمبارگی، ایولین ووه<sup>۵</sup> در باب تن پروری، کریستوفر سایکس در باب بی بندوباری، دبلیو. اچ. اودن در باب غضب. آه، مورخان کله گنده گناه آن روزها راست راست روی زمین راه می رفتند.

1. Ian Fleming 2. Angus Wilson 3. Edith Sitwell 4. Patrick Leigh-Fermor  
5. Evelyn Waugh